

کد خبر: ۲۸۹۸۹

تاریخ: ۱۴۰۱/۰۵/۱۹



رویای کنکور

یادداشت - دکتر رضا مقدسی

چندین دهه است که جوانان این سرزمین هر سال در آزمونی سخت و نفس گیر به نام **#کنکور** شرکت می کنند تا **توان علمی** و شاید **شانس** خود را برای ورود به دانشگاه‌های ملی بیازمایند. با توجه به محدودیت‌های برخی رشته‌ها (به ویژه رشته های پزشکی)، شرایط اقتصادی و اجتماعی برخی مشاغل در جامعه ایران و در سطح بینالمللی و مدیریت بی نقص مافیای **کنکور**، رقابت بسیار فشرده ای در کنکور شکل گرفته است. به دلیل استقبال شدید دانش آموزان از رشته تجربی، شاید نفس گیرترین کنکورها در دهه ۹۰ و در قرن جدید برگزار می شود. به نظر می رسد، اکثریت شرکت کنندگان با رویای پزشک شدن و پول دار شدن یا کسب جایگاه اجتماعی مطلوب تر در کنکور تجربی شرکت می کنند و شاید رویای خدمت به خلق خدا! به هر حال قابل احترام میباشند.

متأسفانه، خیل عظیمی از این طفلکان، ناکامان ابدی دهه ۹۰ نیز هستند، چرا که فقط پنج درصد دانش آموزان می توانند به این رویای صادقه خود و خانواده هایشان جامه عمل بپوشانند و سایرین راهی دیار غربت می شوند و یا ...

و اما **#کاسبان_کنکور** از این آب گل آلود تا توانسته اند، ماهی گرفته اند. شاه ماهی صید کرده اند. آن‌ها هر سال با تبلیغات وسیع رسانه ای از صدا و سیمای ملی تا مدارس دولتی سرتاسر کشور، همه دانش آموزان جویای نام و نان را تا مرز موفقیت می بردند. تا مرز پزشک شدن، تا مرز قبولی صددرصدی

در رشته دلخواه. سپس، در آزمونی نفس گیر آنها را چنان بر زمین میکوبند که صدای آن نسلها در گوش زمان خواهد پیچید.

بررسی‌های آماری نشان می‌دهد اکثر دانش‌آموزان بعد از شرکت در آزمون‌های کنکور بر **ناتوانی** و **بی‌عرضگی** خود در کسب علم و دانش صحنه گذاشته‌اند. زیرا، بیش از ۵۰٪ درصد شرکت‌کنندگان در آزمون‌های کنکور، معمولاً نمره‌ای در حد صفر تا منفی ۳۳ (-۳۳) کسب می‌کنند. در حالی که اغلب آنها مهارت‌ها و استعداد‌های بالقوه زیادی دارند که در آموزش و پرورش ملی شناسائی نمی‌شوند.

و البته باز ناقوسی دیگر، مشاوره‌ای دیگر، برخاستن و مجدداً به زمین کوبیده شدن. این داستان تراژیک تکراری خیلی از جوانان برومند چند دهه اخیر ایران ماست. و عقده‌ای که هیچگاه درمان نخواهد شد. کنکور چه‌ها که بر سر فرزندان مظلوم و معصوم این سرزمین وارد نکرده است. باید به سراغ ناکامان کنکور برویم تا عمق فاجعه را دریابیم. و گرنه

و اکنون آغاز قرن ۱۵ شمسی است. قرن ۲۱. عصر فناوری اطلاعات و ارتباطات، مهندسی ژن، علوم شناختی، هوش مصنوعی، کریسپر(ویرایش ژنی)، عصر فضا و جیمزوب و ادعای خدا شدن انسان. انسان خدا گونه! استغفرالله...

تعداد دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی ایران به عدد ۳۰۰۰ نزدیک و نزدیک تر می‌شود. یعنی برای هر شرکت‌کننده کنکور سراسری چندین صندلی در دانشگاه‌ها وجود دارد. و البته **ماfiای پزشکی** و **کاسبان کنکور** و... کماکان بر شیپور موفقیت می‌دمند و بر طبل کنکور می‌کوبند. ولی، دریغ از تاثیر این همه دانشگاه و امکانات در تولید کیفی علم، حل مشکلات هوا، آب و انرژی و بهداشت و افزایش تولیدات صنعتی ملی. دانشگاه‌های ما صد ساله شده‌اند. ولی تاکنون ۱۰ مسئله اساسی مملکت را حل نکرده‌اند.

ولی جهان مسیر دیگری می رود. و البته منتظر ما نمانده است. معیارهای موفقیت و شاید خوشبختی نیز عوض شده است.

حالا، باید جوانان ما بدانند که **یگانه راه خوشبختی، پزشک شدن نیست**، هرچند که این حرفه بسیار مقدس و شریف است. ولی تحصیل در رشته پزشکی، نه برای همه امکان پذیر است و نه معادل پول دار شدن و خوشبخت شدن. **به گمانم، مثلث پزشکی، پول و خوشبختی در حال از هم پاشیدن است.** باید مثلثی دیگر رسم کرد! و البته پول دار شدن به هر قیمتی نیز پسندیده نیست.

حالا دیگر جوانان ما باید بدانند (و شاید می دانند) که **باید به دنبال رشته و حرفه ای بروند که آن را دوست دارند و با علایق و استعدادهای آنها هم خوانی دارد.** روانشناسان اعتقاد دارند که بیش از سی نوع هوش وجود دارد که فقط چند مورد از آنها در کنکور سنجیده می شود. هر جوانی حداقل در پنج زمینه نابغه است. **استعداد و نبوغ خود را کشف و دنبال کنید.** راز خوشبختی و موفقیت همین است.

امیدوارم جوانان برومند ما بدانند که **راه خوشبختی در این دنیا از دانشگاه نمی گذرد.** دانشگاه برای افراد دوستدار علم و پژوهش است. و البته، کدام دانشگاه و کدام رشته، جای بحث فراوان دارد. و این که فقط یک راه خوشبختی وجود ندارد، بلکه **هزاران راه برای خوشبختی و سعادت دنیوی و اخروی وجود دارد.** شاید به تعداد آدم‌ها، راه برای سعادت و خوشبختی وجود دارد. البته، نیکوست که ابتدا مفهوم سعادت و خوشبختی را از نگاه خود و دیگران جستجو کنید. و این که مفهوم واقعی سعادت و خوشبختی چیست؟

امیدوارم، جوانان عزیز کنکوری، **انتخاب رشته تحصیلی دانشگاه را بر اساس استعداد و علایق خود انجام دهند.** و تلاش کنند در آینده ایران عزیز، باری از دوش

میهن بردارند. به میهن خود، به سان خانواده، عشق بورزند. و در دوران بسیار حساس فعلی تنه‌ایش نگذارند.

ورود به دانشگاه پایان کار نیست. آغاز راه است. راهی که پیشرفت در آن نیاز به تلاش و پشتکار دارد. نیاز به علم و هوشمندی دارد.

و البته وطن خوب و پیشرفته، ساختنی است. نه یافتنی. اگر ایران را تنها بگذاریم، در آینده حرفی برای گفتن نداریم.